نگاه

یار دوازدهم

دکتر حسین دهشیار

دو تیم فوتبال ایتالیا و فرانسه شایستگی حضور در فینال معتبرترین و باشکوه‌ترین رویارویی را که هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌شود به‌دست آوردند، چون‌که مردم این دو کشور منطق حاکم بر فوتبال را درک کرده‌اند. آنها به این نکته وقوف دارند که برای رسیدن به اوج تنها نیاز به ۱۱ بازیکن است. ۱۱ نفری که از نظر فیزیکی و روانی در بهترین وضعیت برای رقابت هستند. ۱۱ نفری که جایگاه خود در تیم را تنها و تنها بازتاب توانمندی‌های فردی و ظرفیت بالا برای اقدام گروهی می‌یابند. در چنین جوامعی که معیار برای پیروزی توانمندی‌ها، نمایش شایستگی، پذیرش مشروعیت رقابت است صحبتی از یار دوازدهم برای تصرف قله‌های موفقیت در صحنه جام‌جهانی نیست. ضرورتی احساس نمی‌شود که رسانه‌ها در نقش مشوق تیم و بازیکنان ظاهر شوند و به بزرگنمایی‌های سرشار از فقدان حقیقت متوسل شوند. در ایتالیا و فرانسه برخلاف بسیاری از کشورها که به جام‌جهانی راه نیافتند و یا اینکه در همان مراحل اولیه حذف شدند نقش رسانه‌ها تعریف شده است و انتظاری که از آنها می‌رود تشویق و چشم بستن به حقایق نیست.

نقش رسانه‌ها چیست. وظیفه رسانه‌ها شفاف‌سازی واقعیات، به صحنه آوردن کاستی‌ها و صیقل دادن برتری‌ها است. رسانه‌ها مسئول قوت قلب دادن، تشویق و تحسین موفقیت‌ها نیستند. رسانه در نقش مشوق همیشه و بدون استثنا به نفع قدرتمندانی است که شایستگی حضور در جایگاهی را که هستند ندارند. صاحبان قدرت و کسانی که در جایگاه شاخص قرار دارند به هر اقدامی متوسل می‌شوند تا موقعیت خود را حفظ کنند بنابراین اگر رسانه‌ها در نقش حامی و مشوق ظاهر شوند به این کمک می‌کنند که افرادی که فاقد لیاقت هستند در جایگاه خود ابقا شوند. رسانه‌ها می‌بایست جامعه را زیر ذره‌بین ببرند تا کاستی‌های آن را نمایان سازند تا از این طریق الزام برای بهبود نهادها، ساختارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه پدید آید. رسانه مسئول و یا به عبارتی رسانه برجسته‌کننده ضعف‌ها، کاستی‌ها و ناظر بر عملکرد صاحبان قدرت، اسباب اساسی و ساختار ضروری برای ارتقای تمامی جنبه‌های جامعه است. اینکه ایتالیا و فرانسه به فینال جام‌جهانی پای گذاشتند به این دلیل است که رسانه‌ها در این دو کشور در فرآیند انتخاب بازیکنان و شکل‌دادن به تاکتیک تیمی به نقد و بررسی عملکرد فدراسیون‌های فوتبال و کادر مربیگری پرداختند. سخت‌ترین ارزیابی‌ها و فزون‌ترین انتقادها بر عملکرد تیم فوتبال فرانسه در طول مسابقات مقدماتی و بازیکنانی که به وسیله کادر مربیگری انتخاب شده بودند متوجه شد. در ایتالیا حتی در چند هفته قبل از آغاز بازی‌های جام‌جهانی رسانه‌ها مربی تیم ملی را به جهت نقش احتمالی در تطمیع و انتخاب داوران برای مسابقات تیم‌های آث‌میلان و بالاخص یوونتوس فاقد مشروعیت برای هدایت تیم ملی قلمداد کردند. کادر رهبری و فدراسیون‌های فوتبال ایتالیا و فرانسه چالش رسانه‌ها را پذیرا شدند و به بیان علت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های خود پرداختند. به دلیل اینکه کادر مربیگری در تیم‌های فوتبال این دو کشور به جهت ارائه و نمایش بالاترین معیارهای حاکم بر فوتبال حرفه‌ای به سمت‌های خود دست یافته بودند خود را مدیون زد و بندهای پشت‌پرده با کلیت‌های قدرتمند در جامعه و ضرورتی برای این نمی‌دیدند که برای حفظ مقام خود به خواست‌های فدراسیون فوتبال تن در دهند. بازیکنانی که به تیم‌های ملی دعوت شدند به این افتخار دست یافتند به جهت اینکه از نقطه‌نظر بینش حرفه‌ای و قضاوت کادر مربیگری که از بهترین‌ها هستند شایسته‌ترین مهره‌ها برای دستیابی به پیروزی به‌نظر آمدند. فشارهای فدراسیون فوتبال هیچ‌گاه برای تعیین بازیکن اعمال نشد چون‌که چارچوب‌ها کاملاً مشخص و جایگاه‌ها کاملاً تعریف شده بودند. کادر مربیگری مجموعه‌ای از بهترین و با اعتبارترین افراد برای هدایت تیم‌های ایتالیا و فرانسه هستند و به همین جهت اینان ضرورتی برای عقب‌نشینی در برابر خواست‌های غیرمنطقی فدراسیون فوتبال نمی‌دیدند چون ضعیف‌ترین و مطیع‌ترین افراد به‌عنوان مربی انتخاب نشدند پس ضرورتی برای اینان نبود که برای پوشش ضعف در مربیگری به خدمت فدراسیون فوتبال در بیایند و به باج‌دهی به بازیکنانی بپردازند که شایستگی حضور در تیم ملی را فاقد بودند.

اینان در برابر انتقادهای کوبنده رسانه‌ها عقب‌نشینی نکردند و در عین حال عملکرد رسانه‌ها را به‌عنوان عاملی برای شکست و تضعیف روحیه بازیکنان قلمداد نساختند. به انتقادهای رسانه توجه شد و آنهایی را که از نقطه‌نظر کادر مربیگری منطقی بود توجه و سعی شد که کاستی‌ها به اصلاح درآیند تا بهترین تیم در آماده‌ترین شکل به مسابقات راه یابد. بهترین نمونه هجوم رسانه‌ای را در آلمان شاهد بودیم. مربی تیم ملی به جهت انتخاب فردی غیر از دروازه‌بان تیم بایرن‌مونیخ با شدت هرچه تمام‌تر مورد انتقاد قرار گرفت. با وجود اینکه مربی تیم آلمان برای اولین بار به صحنه جهانی پای گذاشته بود به اعلان این نظر پرداخت که براساس تجارب و ارزیابی‌های کادر مربیگری این نتیجه حادث شده است که اسطوره‌ای که در دروازه تیم بایرن‌مونیخ است فاقد ویژگی‌های لازم برای جای‌گیری در دروازه تیم آلمان در این سطح است. او چون شغل خود را براساس شایستگی کسب کرده بود حتی استدلال‌های نماد فوتبال آلمان قیصر را نیز نپذیرفت و دروازه‌بان مورد نظر را در چارچوب دروازه جای داد. در سرزمین‌هایی که کادر مربیگری آگاه به عدم شایستگی خود است در سرزمین‌هایی که بازیگرانی فاقد هرگونه شایستگی حضور همیشگی در تیم هستند، در سرزمین‌هایی که تملق و چاپلوسی کم‌هزینه‌ترین راه برای به‌دست آوردن مکان در تیم است، رسانه به یار دوازدهم تبدیل می‌شود. این بدان دلیل است که کاستی‌ها به ارزیابی گرفته نشوند و شایسته‌ترین افراد که گریزان از تملق هستند به تیم راه نیابند. تیم‌های فوتبال آلمان و ایتالیا فینال را تجربه کردند چون‌که رسانه‌ها با عملکرد خود این فرصت را با نگرش تحلیلی و انتقادی خود فراهم آوردند که بهترین‌ها، برترین‌ها و با استعدادترین بازیکنان و مربیان در قالب تیم ملی نماد کشور و ملت خود باشند.

آلمان ۳ - پرتغال یک

ژرمن‌ها عاقبت به خیر شدند

برگزاری دیدار رده‌بندی حداقل این خاصیت را داشت که میزبان جام‌جهانی با خاطره‌ای خوب جام را به پایان برد. برخلاف آنچه تصور می‌شد هر دو تیم آلمان و پرتغال برای اینکه با تصاحب عنوان تشریفاتی سومی به کار خود در جام هجدهم پایان دهند انگیزه قابل توجهی داشتند. در این میان غایب‌های زیادی در هر دو تیم دیده می‌شد.

در جمع بازیکنان میزبان مرتساکر، فردریش، بالاک و بروفسکی مصدوم بودند و همچنین الیور کان جانشین ینس لمن شده بود. پرتغال هم چند غایب داشت. میگل به علت مصدومیت و کاروالیو به دلیل محرومیت در ترکیب این تیم دیده نمی‌شدند. علاوه بر این دو «فیل بزرگ» تصمیم گرفته بود که فیگو در آخرین بازی ملی‌اش در ترکیب اصلی قرار نداشته باشد. درخشش کان در نیمه اول باعث شد که دیدار رده‌بندی در نیمه نخست گلی دربرنداشته باشد. اما نیمه دوم کاملاً در سیطره آلمان و باستین شواین اشتایگر قرار داشت.

«باستی» ابتدا به لطف اشتباه ریکاردو با یک ضربه از راه دور دروازه حریف را باز کرد. این گل در دقیقه ۵۶ به دست آمد. پنج دقیقه بعد همین بازیکن باعث شد اختلاف دو برابر شود. ضربه آزاد او را پتی هافبک پرتغال وارد دروازه خودی کرد تا ژرمن‌ها از رسیدن به سکوی سوم مطمئن شوند. اما این پایان کار آلمان و شواین اشتایگر در بازی شنبه شب نبود.

یک ضربه فوق‌العاده از همین بازیکن در دقیقه ۷۸ هیچ شانسی برای ریکاردو باقی نگذاشت تا اسکولاری و شاگردانش که در طول بازی فقط به فکر فریب داور بودند کاملاً تسلیم شوند. طبیعی بود که شماره ۷ آلمان به عنوان بهترین بازیکن میدان انتخاب شود.

البته نونو گومژ در واپسین دقایق بازی از سنگینی شکست پرتغال کاست. این بازیکن که در طول رقابت‌ها به نیمکت دوخته شده بود و شاهد گل‌نزنی‌های پائولتا بود، در آخرین بازی جام‌جهانی نشان داد که اسکولاری بی‌دلیل این همه به پائولتا اعتماد می‌کرد و گومژ را بازی نمی‌داد.

سازنده آخرین گل بازی رده‌بندی کسی نبود جز لوئیس فیگو کاپیتان پرتغال. فیگو در آخرین بازی ملی خود تنها چند دقیقه‌ای به بازی گرفته شد و در پایان بازی با هوادارانش وداع کرد. البته او تنها بازیکنی نبود که دیدار شنبه‌شب را برای خداحافظی از دیدارهای ملی انتخاب کرد.

پدرو پائولتا و الیور کان نیز دست به چنین کاری زدند. کلینزمن در این بازی برای قدردانی از کان او را به بازی گرفت و بهترین بازیکن جام‌جهانی ۲۰۰۲ نمایش بسیار خوبی از خود ارائه کرد. این بازیکن ۳۷ ساله در پایان بازی گفت: «برای آخرین بار پیراهن آلمان را به تن کردم.

هرگز نمی‌توانستم به گونه‌ای بهتر خداحافظی کنم. یک بازیکن باید بداند چه زمانی از دوران ورزشی‌اش دست بکشد، البته من هنوز هم نمی‌دانم چرا کلینزمن، لمن را جانشینم کرد.» به هر ترتیب کان و فیگو به بهترین شکل حضورشان در دیدارهای ملی را در ورزشگاه گوتلیپ دایمر اشتوتگارت به پایان رساندند. دیدار رده‌بندی مسابقه بسیار خوبی برای ژرمن‌ها بود.

در پایان بازی همه از کلینزمن تشکر کردند و او را ستودند. بکن‌باوئر و دیگر بزرگان فوتبال آلمان از «کلینزمن» خواستند که به حضورش در تیم ملی ادامه دهد و سرمربی موفق ژرمن‌ها تصمیم‌گیری را به روزهای بعد موکول کرد. در آن‌سو فیل بزرگ ضمن تمجید از مربی حریف در مورد عملکرد تیم خودش توضیح داد: «از آنچه پرتغال به دست آورد راضی نیستم. البته دلگرمی ما به تماشاگران است. آنها تاثیر زیادی روی من گذاشتند. الان نمی‌خواهم در مورد آینده‌ام حرف بزنم. باید صبر کنیم و ببینیم چه پیش می‌آید.» آیا دیدار رده‌بندی آخرین حضور کلینزمن و اسکولاری روی نیمکت تیم‌هایشان بود!

کاپلو در کاخ سفید اسپانیولی

محسن ابراهیمی: فقط بیست دقیقه برای خداحافظی کافی است. فابیو کاپلو دست رئیس جدید یووه کوبولی را می‌فشارد و از باشگاه خارج می‌شود. چند دقیقه بعد روی سایت یوونتوس این خبر رسماً اعلام می‌شود: «یوونتوس به انتخاب کاپلو با دیده احترام نگاه می‌کند و آن را قبول می‌کند. استعفای کاپلو قبول شده است و به خاطر دو سال کار مداوم از او تشکر می‌کنیم.» چند دقیقه بعد رامون کالدرون رئیس جدید باشگاه رئال مادرید در کاخ سفید اسپانیولی خود پشت میکروفن قرار می‌گیرد و اعلام می‌کند: کاپلو به من تلفن زد و هیجان او را احساس کردم. او از من خواست که ایده‌هایم را برایش توضیح بدهم. کاپلو فردا به مادرید می‌آید و رسماً به عنوان سرمربی جدید معرفی می‌شود (پنجشنبه). بدین صورت مربی موفق اروپا و دنیا خانه خود را عوض می‌کند و به جایی می‌رود که باید دوران سخت و بحران‌زده چند سال اخیر را تمام کند و بار دیگر مادریدی‌ها را به افتخارات گذشته‌اش برگرداند. از امروز شهر، پیراهن، سفر و همکاران عوض می‌شوند. کاپلو دو سال در لیگ قهرمانی ایتالیا در قله افتخار باقی ماند؛ ۷۶ هفته فوتبالی و ۶۳۸ روز ایتالیایی. و هیچ‌گاه هم خطر سقوط و از دست دادن عنوان قهرمانی را پشت سرش احساس نکرد و طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۴ همیشه یوونتوس را به عنوان یک تیم برتر و بدون ضعف نمایش داد و حالا نوبت رئال مادرید است که این افتخارات را شروع کند. با آمدن رئیس جدید رامون کالدرون، کاپلو هم به عنوان اولین خرید موفق معرفی می‌شود. کاپلو می‌گوید: «من دو سال خوب و زیبا را در تورینو گذراندم و با موجی، به‌ته‌گا و جیرائودو کار کردم.» و از بازگشت به کاخ سفید می‌گوید: «خوشبختانه همه می‌خواستند تا در کنار آنها یک پروژه جدید و بزرگ را شروع کنم. من اینجا آمده‌ام تا روح پیروزی را در تیم به وجود بیاورم و بار دیگر همه به این پیراهن عشق بورزند.» کاپلو مرد کلیدی رئال است که همه این اتفاقات را می‌تواند به وجود بیاورد، کسی که در رختکن شخصیت محکم، سخت و جدی دارد و می‌تواند انگیزه پیروزی را در تیم به وجود بیاورد، هر چند که در این چند سال اخیر او را متهم کرده‌اند که عصبانی است و بداخلاقی‌اش را در رختکن پنهان نمی‌کند. اما کاپلو می‌گوید: «من آدم سخت و بسته‌ای نیستم و تصویر اشتباهی از من نقاشی کرده‌اند، اما همیشه به نظم اهمیت داده‌ام و در مورد آن جدی هستم. با بازیکنان صحبت می‌کنم، آنها در این چند روز خوب تمرین کرده‌اند. از این به بعد تمرکز خودمان را صد درصد به برنامه بعدی معطوف می‌کنیم.»

پروژه روشنی که فقط او می‌تواند آن را اجرا کند. «کار آسانی نیست اما در تیم ما رهبرانی وجود دارند که به من کمک خواهند کرد.» اما در این تیم زیدان دیگر وجود ندارد. کاپلو از دیگران نمی‌خواهد تا به خاطر او برنامه‌هایشان را عوض کنند. «این تصمیم زیدان است و خیلی شخصی است، من هم می‌دانم که زیدان می‌خواهد به زیبایی دوره فوتبالش را تمام کند، همان‌طور که میشل پلاتینی این کار را در زمان خود انجام داد.»

رهبر جدید رائول خواهد بود، کاپیتان رئال. او یک جام‌جهانی دلسردکننده را تمام کرده است و فصل بدتری را پشت شانه‌هایش دارد. کاپلو می‌گوید: «دوره رائول تمام نشده است. من از وقتی که در رئال با او کار می‌کردم، شخصیت و رفتارش را می‌شناسم. رائول برای ما مالدینی جدید است. بازیکنی که مثال و نمونه خوبی برای یک تیم بزرگ است.»

مشکل سناتورهای رئال همچنان وجود دارد: بکام و روبرتو کارلوس. مربی جدید دست خود را جلو می‌آورد و با جدیت ادامه می‌دهد: «آنها بازیکنان بزرگی در تیم ملی کشورشان هستند و توانایی خود را ثابت کرده‌اند، با تمام مدیران و بازیکنان در مورد آنها صحبت کرده‌ام، بعداً خواهیم دید که چه اتفاقی می‌افتد.» روح تیمی آن چیزی است که باید دوباره متولد شود و در تمام گوشه و کنار کاخ سفید وجود داشته باشد. کاپلو می‌گوید: «ابتدا با تمام بازیکنان صحبت می‌کنم، مسلماً آماده‌سازی تیم در مرحله دوم قرار دارد، همه باید دو شخصیت کامل را در کنار هم داشته باشند؛ ورزشگاه خوب و آدم محترم. از همه، بازیکنان و مربیان می‌خواهم که تواضع داشته باشند و با احترام با دیگران حرف بزنند و رفتار کنند. فقط بدین صورت می‌توانیم به اهداف خودمان دست پیدا کنیم.»

هر کسی که به این اتفاقات عادت ندارد، می‌تواند برگه‌اش را کنار بگذارد. خریدهای لوکس شروع خواهد شد و کالدرون برگه سفیدی در اختیار کاپلو گذاشته است تا با اختیار کامل تیم جدید را معرفی کند. «به نظر می‌رسد که همه می‌خواهند در تیم رئال‌مادرید بازی کنند، اما ما نمی‌توانیم همه آنهایی را که علاقه دارند بخریم و به مادرید بیاوریم.» در لیست خریدهای آنها کریستیانو رونالدو وجود دارد، بعد هم ایتالیایی‌ها: ویرا، زامبروتا، امرسون، کاناوارو و کاکا بعد هم ستاره‌هایی نظیر فابرگاس و روبن. «تمام خریدها را میاتوویچ پیگیری خواهد کرد. او همکار ماست و رابط خوبی بین من و رئیس.» کاپلو توپ را به زمین پردراگ میاتوویچ می‌اندازد که به عنوان مدیر مشغول به کار شده است و ادامه می‌دهد: «در خط حمله هیچ مشکلی نداریم، در خط دفاع و هافبک باید بهتر شویم و به تعادلی برسیم که در حد انتظارمان باشد.» باید نگاهی هم به دستیاران کاپلو انداخت، همه آنها ایتالیایی هستند و همیشه همراه کاپلو بوده‌اند. تیم او کامل و حرفه‌ای است. در کنار آنها یک مدیر اجرایی خوب هم وارد می‌شود: فرانکو بالدینی. او در تیم رم با کاپلو تحول بزرگی را به وجود آورد و حتی سطح ادبیات ورزشی آنها جالب توجه بود و همه خبرنگاران اشتیاق داشتند تا با آنها مصاحبه کنند و حرف‌های جدید بالدینی را گوش کنند، چیزی بین فوتبال، تئاتر و ادبیات مدرن ایتالیایی. بالدینی حالا در کنار کاپلو است و نقش مهمی را بر عهده دارد. وظیفه امروز او هم صحبت با سناتورها است. او فردا به ملاقات روبرتو کارلوس، بکام، گراوسن و بقیه می‌رود تا در مورد آینده‌شان صحبت کند و از طرف دیگر پردراگ برای خرید بازیکنان جدید اقدام می‌کند. در این میان یک نفر خوشحال‌تر از دیگران است. آنتونیو کاسانو که پسر کاپلو محسوب می‌شود. او از رم فرار کرد تا به یووه برود اما وقتی کاسانو به مادرید تبعید شد، همیشه بازگشت به ایتالیا و کار در تیم کاپلو آرزویش بود، اما حالا بدون اینکه انتقالی انجام شود کاسانو در تیم کاپلو قرار می‌گیرد و به آرزویش می‌رسد. کاسانو می‌گوید: «این بهترین اتفاق فوتبالم است. من با کاپلو بزرگ شده‌ام و حالا دوست دارم با او قهرمان بشوم. مطمئن هستم که فقط با هدایت او بار دیگر به تیم ملی می‌توانم برگردم.» کاپلو هم دیگر دلتنگ او نیست. پسر بداخلاق رمی به استقبال مربی موفق و جدی دنیا می‌رود. همه چیز برای موفقیت بزرگ کاخ سفید آماده شده است، کاپلو هم کارش را شروع کرده است.

نکته

مشکل سناتورهای رئال همچنان وجود دارد: بکام و روبرتو کارلوس. مربی جدید دست خود را جلو می‌آورد و با جدیت ادامه می‌دهد: «آنها بازیکنان بزرگی در تیم ملی کشورشان هستند و توانایی خود را ثابت کرده‌اند، با تمام مدیران و بازیکنان در مورد آنها صحبت کرده‌ام، بعداً خواهیم دید که چه اتفاقی می‌افتد.» روح تیمی آن چیزی است که باید دوباره متولد شود و در تمام گوشه و کنار کاخ سفید وجود داشته باشد. کاپلو می‌گوید: «ابتدا با تمام بازیکنان صحبت می‌کنم، مسلماً آماده‌سازی تیم در مرحله دوم قرار دارد، همه باید دو شخصیت کامل را در کنار هم داشته باشند؛ ورزشگاه خوب و آدم محترم.»

حاشیه

انتقاد اوون از اریکسون

مایکل اوون مهاجم تیم ملی انگلستان پس از پارگی تاندون پایش در یکی از دیدارهای مرحله گروهی رقابت‌های جام جهانی ناچار شد جام جهانی را به عنوان بیننده نظاره‌گر باشد و او از نتایجی که تیم ملی کشورش در این رقابت‌ها به دست آورده است به هیچ‌عنوان رضایت ندارد. به عقیده اوون مقصر اصلی این شکست‌ها کسی جز اسون گوران اریکسون نیست. اوون به کارگیری تنها یک مهاجم نوک (وین رونی) را در بازی یک چهارم نهایی برابر پرتغال کاری نادرست عنوان کرد: «وین رونی یکی از بهترین مهاجمان دنیا است. اما هنگامی که یک تیم تنها با یک مهاجم نوک بازی می‌کند اینگونه می‌شود.» اوون اخراج مهاجم منچستر یونایتد را از پیامد چینش نادرست بازیکنان در زمین دانست: «این ترکیب غلط باعث شد رونی سرخورده شود. تنهایی و عدم حمایت از این مهاجم او را کلافه کرده بود.» اریکسون در بازی مرحله یک چهارم نهایی انگلستان برابر پرتغال از رونی به عنوان تک مهاجم نوک استفاده کرده بود. اما این مهاجم در برخورد با ریکاردو کاروالیو بازیکن پرتغال در دقیقه ۶۲ بازی با دریافت کارت قرمز از بازی اخراج شد. اوون ادامه داد: «می‌توان حدس زد که وین از روند بازی در یک ساعت نخست عصبانی شده باشد.» انگلستان این بازی را در ضربات پنالتی با نتیجه سه بر یک به پرتغال واگذار کرد.

مورسمو فاتح ویمبلدون

«امیلی مورسمو» فرانسوی به مقام نخست رقابت‌های تنیس آزاد زنان ویمبلدون انگلیس دست یافت. مورسمو برترین تنیس‌باز زن جهان با نتیجه ۲ بر یک و با امتیازات ۲ بر ۶، ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ از سد «ژوستین هنین» بلژیکی گذشت و به دومین عنوان قهرمانی خود در پیکارهای تنیس آزاد جهان در سال جاری دست یافت. مورسمو اوایل سال جاری میلادی با غلبه بر هنین بر سکوی نخست مسابقه‌های تنیس آزاد استرالیا ایستاده بود. این دو تنیس‌باز در سال جاری میلادی سه‌بار برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند که مورسمو دو بار حریف سرشناس بلژیکی خود را شکست داده است. هنین در مرحله نیمه‌پایانی رقابت‌های تنیس زنان قطر که ماه مه امسال برگزار شد، از سد مورسمو گذشت. دیدار پایانی بخش مردان امشب در ورزشگاه اصلی محل برگزاری این رقابت‌ها برگزار خواهد شد و طی آن دو تنیس‌باز مطرح جهان به مصاف هم می‌روند. «راجر فدرر» سوئیسی و «رافائل نادال» اسپانیایی در حالی یکشنبه شب برای پنجمین‌بار در سال جاری میلادی برابر یکدیگر قرار می‌گیرند که نادال در چهار دیدار گذشته، برترین تنیس‌باز جهان را شکست داده است.

هونچار پیشتاز توردوفرانس

هفتمین مرحله رقابت‌های بین‌المللی دوچرخه‌سواری توردوفرانس روز گذشته برگزار شد و «سرگئی هونچار» از اوکراین به مقام نخست این مرحله دست یافت. این دوچرخه‌سوار اوکراینی توانست مسافت ۵۲ کیلومتر را با زمان یک ساعت و یک دقیقه رکاب بزند و سریع‌تر از دیگر دوچرخه‌سواران حاضر در تور به خط پایان برسد. «فلوید لندیس» از آمریکا و «سباستین لانگ» از آلمان با همین زمان به ترتیب مقام‌های دوم و سوم را به خود اختصاص دادند. در مجموع هفت مرحله این رقابت‌ها، «سرگئی هونچار» با مجموع زمان ۳۰ ساعت و ۲۳ دقیقه و ۲۰ ثانیه در صدر جدول ایستاده است. «فلوید لندیس» با یک دقیقه اختلاف با نفر اول و «مایکل راجرز» از استرالیا با زمان یک دقیقه و ۸ ثانیه اختلاف با نفر اول در مکان سوم قرار دارد. در مجموع امتیازی این رقابت‌ها، «روبی مک اون» از استرالیا با کسب ۱۵۷ امتیاز در صدر جدول امتیازی ایستاده است. «تام بونن» از بلژیک با ۱۴۷ امتیاز و «اوسکار فریبر» از اسپانیا با ۱۳۵ امتیاز در مکان‌های دوم و سوم قرار دارند. «یروم پینائو» از فرانسه پیراهن سلطان کوهستان را در اختیار دارد.

خداحافظی فیگو

بعد از دیدار رده‌بندی هجدهمین دوره رقابت‌های جام جهانی که شنبه‌شب میان پرتغال و آلمان برگزار شد، فوتبال با یکی از بزرگترین قهرمانان تاریخ خود خداحافظی کرد. لوئیس فیگو هافبک و کاپیتان تیم ملی فوتبال پرتغال شب گذشته یکصدوبیست‌وهفتمین بازی ملی خود را انجام داد که از این نظر در کشورش رکورددار است. وی در دقیقه ۷۵ به زمین آمد و پاس تنها گل این تیم را که توسط نونو گومژ به‌ثمر رسید، ساخته و پرداخته کرد. فیگو بعد از سوت پایان دیدار که مقام چهارمی جهان را برای کشورش در برداشت، بعد از ۱۵ سال بازی در سطح ملی با چشمانی اشک‌آلود زمین را ترک کرد. فیگو یکی از اعضای نسل طلایی پرتغال بود که جام قهرمانی زیر ۱۶ سال اروپا را در سال ۱۹۸۹ و زیر ۲۰ سال جهان را در سال ۱۹۹۱ به‌دست آورد. وی اولین بازی ملی‌اش را در سال ۱۹۹۱ برابر لوکزامبورگ انجام داد اما نتوانست جوهر واقعی خود را نشان دهد. بعد از حذف پرتغال در نیمه نهایی یورو ۲۰۰۰ فیگو با این تیم به فینال یورو ۲۰۰۴ راه یافت اما قهرمانی را به تیم شگفتی‌ساز یونان واگذار کرد. اندکی بعد او از فوتبال ملی خداحافظی کرد. لوئیس فیلیپه اسکولاری سرمربی برزیلی این تیم توانست وی را متقاعد کند که تصمیمش را عوض کرده و مجدداً پیراهن تیم ملی کشورش را در مهمترین رویداد فوتبال جهان بر تن کند. باخت ۱ بر صفر به فرانسه در نیمه‌نهایی این جام، رویای قهرمانی را از دستان فیگو خارج کرد تا بدون کسب حتی یک عنوان مهم با پیراهن تیم پرتغال، از فوتبال خداحافظی کند. اما او در سطح فوتبال باشگاهی عناوین مختلفی را همراه با بارسلونا و رئال مادرید به‌دست آورده و به‌عنوان بهترین بازیکن سال فوتبال جهان و اروپا نیز انتخاب شده است. وی در سال ۲۰۰۰ به عنوان گران‌ترین بازیکن جهان از بارسلونا به رئال رفت. همچنین با خاتمه ماموریتش در فوتبال ملی، با تمرکز بیشتری به کمک باشگاه اینترمیلان خواهد شتافت.